

مصاحبه پریماکف، در ارتباط با  
اشغال عراق توسط امریکا و سقوط صدام

## اگر صدام حسین

### توصیه ها را عمل کرده بود!

کنفرانس خبری پریماکف درباره جنگ در لبنان

«یوگنی پریماکف، سیاستمدار و کارشناس خاورمیانه در دوران اتحاد شوروی و پس از فروپاشی شوروی، اکنون رئیس اتاق بازرگانی و صنایع روسیه است. او در یک دوره نیز وزیر خارجه بود و مشهورترین رایزنی ها را با رهبران عرب داشته است. اخیرا نیز، بدنیاال تهاجم اسرائیل به لبنان، در ارتباط با خطری که در ادامه این جنگ ایران را تهدید می کند مصاحبه ای در مسکو انجام داد. او در این مصاحبه رهبران جمهوری اسلامی را به هوشیاری بیشتر برای درک اوضاع جهان و منطقه فراخواند. مدتی پیش از این و در ارتباط به اشغال عراق توسط امریکا و سقوط رژیم صدام حسین، روزنامه «ورمیانوستی» چاپ روسیه مصاحبه ای با وی انجام داد. بخش عمده این مصاحبه را می خوانید:

- آیا صدام حسین باید محاکمه می شد؟

- همه متقاعد شده اند که او نه سلاح هسته ای داشته و نه ارتباطی با القاعده. رئیس جمهوری عراق را به دلایل بسیاری سرنگون کردند و نیز به این دلیل که آمریکایی ها از او خوششان نمی آمد. وقتی او محاکمه می شود، خیلی های دیگر هم باید محاکمه شوند.

وقایع عراق نشان می دهد که این راه رسیدن به دموکراسی نیست. دموکراسی طی سال های بسیاری ایجاد می شود؛ با توسعه نهادهای مربوطه و با محاسبه تاریخ و سنت های هر کشوری. آنچه را که آمریکایی ها انجام دادند، هیچ عقل سلیمی نمی پذیرد و آنان پس از اینکه کشور را به اشغال خود درآوردند، چگونه عمل کردند؟ کاملا غیرمعتادانه. ابتدا، مبنا را بر افرادی گذاشتند که از خارج از کشور آورده بودند، که با شکست مواجه شد.

- نخستین اتهامات صدام کشتار کردها و شیعیان این کشور است.

- البته. او اعمال بسیار بدی انجام داده است، اما این از امور داخلی عراق است. اگر عراقی ها معتقد بودند که باید صدام را محاکمه کرد، مساله دیگری بود. اما آمریکایی ها در این میان چه کاره اند؟ فرض کنیم که صدام را به خاطر تجاوز به کویت در سال ۱۹۹۰ محاکمه می کنند. اما در این صورت هم، این سوال مطرح می شود که چرا در آستانه این حمله، سفیر امریکا در بغداد، یا از روی بی تجربگی و یا از روی تجربه، طی گفتگوی خصوصی با صدام عملا به او برای آغاز این حمله چراغ سبز نشان داد؟

- این گفته های شما ناشی از دوستی سابقه دار با صدام نیست؟

- این مسئله پنهانی نیست که من با صدام روابط خوبی داشتم، به غیر از آخرین دیدار در ۲۴ فوریه سال ۲۰۰۳، کمتر از یک ماه تا **حمله** امریکا به عراق در آن موقع پرزیدنت «ولادیمیر پوتین» با من تماس گرفت و پیشنهاد کرد به عراق سفر کنم و شخصا پیام شفاهی او را به صدام برسانم. من پیشنهادهای پوتین را به صدام اعلام کردم که در شمار آنها، این بود که **صدام حسین** از سمت ریاست جمهوری **کناره گیری** کند (نه از تمامی مقامات) و به مجلس پیشنهاد دهد که انتخاباتی دموکراتیک جهت انتخاب رئیس جمهور جدید برگزار کنند. در این صورت، ثبات در کشور حفظ می شد، همان چیزی که آمریکائیان اصلا به حساب نیآوردند. اگر در آن موقع، صدام کناره می گرفت، آغاز عملیات جنگی برای امریکا بسیار سخت می شد. اما صدام این پیشنهاد را رد و حتی سعی کرد ما را متهم کند که «شما با آمریکایی ها همدست هستید!»

- آیا شما به او تضمینی می دادید؟

- چه تضمینی؟ هیچکس نمی توانست هیچ تضمینی به وی دهد. به او پیشنهاد دادیم که از فرصت استفاده کند و اوضاع را نجات بدهد. روسیه تمام آنچه را که می توانست انجام داد تا حمله آمریکایی ها به عراق صورت نگیرد.

- طارق عزیز، بعدا گفت که صدام حرف شما را باورنکرده بود، زیرا با احتساب تجربه کار شما در اواخر سال ۱۹۹۰ و اوایل ۱۹۹۱ که علی رغم اقدامات صلح جویانه شما، در ژانویه سال ۱۹۹۱، ائتلاف بین المللی به ریاست آمریکا عملیات جنگی، «توفان صحرا» را آغاز کرد که عراق را مجبور به خروج از کویت اشتغالی کند.

- در آن زمان، صدام به طور باور نکردنی زمان را طول داد. اگر او در اولین سفر من به بغداد با آن پیشنهاد ما موافقت کرده بود، یا با همان چیزی که در سفر سوم موافقت کرد، در سفر دوم موافقت کرده بود، در آن صورت وقایع به گونه دیگری رقم می خورد. صدام تنها پس از این که بمب افکن های آمریکایی آمدند، به من گفت آماده است که ارتش خود را از کویت خارج کند. ما به او وعده دادیم که اگر عراق ارتش خود را از کویت خارج کند، عملیات نظامی زمینی ائتلاف بین المللی علیه این کشور صورت نخواهد گرفت و سپس او سعی کرد ما را متهم کند: من آماده بودم ارتش خود را خارج کنم، اما باز هم عملیات آغاز شد! سؤال در اینجاست که چه زمانی او اعلام آمادگی کرد؟ او ارتش خود را زمانی که ما از او خواستیم خارج نکرد. او می خواست ارتش را پس از سه ماه خارج کند و به محض این که آمریکا به وی اولتیماتوم داد، او با شرایط آنها موافقت کرد که این کار را ظرف چند روز انجام دهد. بدین ترتیب در این میان، ما کاملاً بی تقصیر هستیم.

- دولت صدام اکنون سرنگون شده است. آیا روسیه، اعتبار خود را در میان عراقی ها برای مدت بسیاری از دست داده است؟

- به هیچ وجه، عراقی ها به سوی ما متمایل هستند. در عراق، روحیه ضد امریکایی شدیدی وجود دارد.

- چرا آمریکایی ها خواهان تصرف عراق بودند؟

- برای نفت. اما نمی توان همه چیز را به آن مرتبط دانست، چرا که نباید از تاثیر شدید ایدئولوگ های تندرو جدید امریکایی بر «جورج بوش» غافل بود. آنان بر این مساله تکیه دارند که آمریکا از لحاظ اقتصادی و تاثیرگذاری سیاسی، کشور مقتدر جهان است و از این رو می تواند همین گونه در صحنه سیاست بین المللی رفتار کند.

- به نظر شما، بعد از عراق چه کشوری هدف آمریکا خواهد بود؟ فرضاً، آمریکا می تواند به ایران ضربه وارد کند؟

- نه، من فکرنمی کنم که ایران کشور بعدی باشد. این کار **دیوانگی** محض است.

- در این صورت، آیا به نظر نمی رسد که اکنون سوریه به سوی سناریوی بسیار ناخوشایندی پیش می رود؟

- فکرنمی کنم که سوریه به جای خاصی پیش می رود. من فکرمی کنم «بشار اسد» در مقام ریاست جمهوری خواهد ماند. اما هیچ کس و حتی محققان بین المللی سازمان ملل متحد نیز شخص بشار اسد را در مرگ «رفیق حریری» نخست وزیر سابق لبنان مقصر نمی دانند. من با حریری روابط دوستانه بسیار خوبی داشتم و یک هفته پیش از قتلش، او را دیدم. او میدانست که پس از آن من با اسد در دمشق دیدار دارم و بسیار خواستار این بود که من به انجام دیداری بین او و رئیس جمهوری سوریه کمک کنم. حریری را از دیدار با اسد، برحذر می داشتند. او به من گفت: «اگر سوریه از این می ترسد که ما، لبنانی ها قراردادی مجزا با اسرائیل امضا کنیم، ما حتی حاضریم که در قانون اساسی، این نکته را درج کنیم که قرارداد صلح با اسرائیل را تنها به همراه سوریه امضا می کنیم، وی از تحکم گروه های امنیتی سوریه در لبنان شکایت داشت و می گفت بدون تایید نیروهای امنیتی سوریه، حتی نمی توان پزشک ارشد یک بیمارستان را تعیین کرد. پس از دیدار من با رئیس جمهوری سوریه، چنین برداشت کردم که اسد هم خواهان دیدار با حریری است. از این رو، مطلقاً باور ندارم که در پشت این قتل، اسد قرار داشته است. وضعیت سوریه حقیقتاً دشوار است و از هرسو به این کشور فشار وارد می شود. اسد را به این دلیل نیز سرزنش می کنند که تروریست ها از قلمروی سوریه، به عراق نفوذ می کنند. اما او نمی تواند مرز عراق را کاملاً ببندد، او امکان این کار را ندارد! گرچه معتقدم اسد در حال حاضر باید گام های قاطعانه بردارد تا کنترل بسیاری بر سوریه داشته باشد.

- شما چنین برداشتی دارید که آمریکا فعالانه بدنبال جایگزینی برای بشار اسد است؟

- اگر قرار باشد از مخالفان اسد صحبت کنیم، چه کسی را می توان یافت؟ سیاستمداران پیری که آنان را از حکومت کنار گذاشته اند؟ زمانی آمریکا در مصر مبنای بر «انور سادات» رئیس جمهوری مصر در سالهای ۱۹۸۱-۱۹۷۰ گذاشت. اما او در مقام اول سازمان «افسران آزاد» مصر قرار داشت. و از توان تاثیرگذاری برخوردار بود، هر چند که متفاوت با سایر همکاران خود می اندیشید. آیا آمریکا چنین فردی را در سوریه می یابد؟

- اسد بر مشکل ارتفاعات جولان که توسط اسرائیل طی جنگ سال ۱۹۶۷ اشغال شده است، تاکید بسیاری دارد و می خواهد آنها را بازگرداند...

- اصلاً چنین نیست. زمانی که من وزیر امور خارجه بودم (۱۹۹۶-۱۹۹۸) در اسرائیل با نخست وزیر «نتانیاو» دیدار داشتم و به او گفتم: «با خروج از ارتفاعات جولان موافقت کنید و برای این کار صدها شرط بگذارید. برای مثال، اگر ارتفاعات از نیروهای نظامی تخلیه شوند، اگر در آنجا ناظران بین المللی وجود داشته باشند و مواردی دیگر»، حتی آمریکایی ها با رئیس جمهوری وقت سوریه «حافظ اسد» به راه حل هایی در جهت حل این مشکل دست یافتند، اما اسرائیلی ها، هر بار نپذیرفتند.

- مثل اینکه اسرائیل نمی خواهد از این منطقه خارج شود. آنها در آنجا سرمایه گذاری کرده اند، خانه ساخته اند، رادارهای نظامی کار گذاشته اند....

- در حال حاضر نمی توان گفت که مرزهای کشیده شده ایجاد امنیت می کنند. در گذشته می شد این را گفت؛ زمانی که وسایط انتقال سلاح فوق العاده دقیقی وجود نداشت. امروز، امنیت در منطقه تنها در این صورت برقرار خواهد شد که اسرائیل با تمامی همسایگان خود به توافق برسد. من حتی چنین چیزی را غیرممکن نمی دانم که پس از مدتی یک **کنفدراسیون** در منطقه به وجود بیاید. برای مثال، منطقه واحد اقتصادی بین اسرائیل، فلسطین و اردن.

- «آریل شارون» وقتی نخست وزیر بود، طرح تخلیه نوار غزه را به اجرا گذاشت. آنچه رخ داد، باعث حیرت شما شد؟

- نه، متحیر نشدم. من معتقد نیستم که اگر شخصی اقدام مثبتی انجام داد، می توان روی تمامی اعمال منفی وی را که در گذشته انجام داده، خط بطلان کشید. در خروج از شهرک های نوار غزه قاطعیت شارون تاثیر داشت و این بسیار خوب بود که این ویژگی وی در چنین موردی بروز داده شد، اما پس از آن، سؤال بزرگی وجود دارد: همه چیز همین جا تمام می شود و با اینکه بالاخره این کار بخشی از حل مجموعه مشکلات تعیین شده در طرح بین المللی سامان بخشیدن به درگیری خاور نزدیک یعنی «نقشه راه» خواهد بود؟

- شما در ماه آوریل «ولادیمیر پوتین» را در اولین سفرش به «رام الله» در فلسطین همراهی کردید. وقتی بر سر آرامگان «یاسر عرفات» رفتید به چه فکری کردید؟

- من از مرگ وی بسیار غمگین شدم. من او را فردی شایسته می دانم. یاسر عرفات به خوبی می فهمید که در جهان چه می گذرد. البته او نیز اشتباهاتی داشت. برای مثال طرح «**بیل کلینتون**» را نپذیرفت و این اشتباه بود.

کشورهای عربی نگذاشتند که فلسطین با این طرح موافقت کند. نشست اتحادیه عرب تصمیم گرفت که این توفتنامه را غیرقابل پذیرش بداند، چرا که اسرائیل، بازگرداندن پناهندگان فلسطینی را رد می کند. عرفات شاید امید داشت که در مذاکرات بعدی، فلسطینیان به چیزهای بیشتری دست خواهند یافت. چرا که طرح کلینتون چنین چیزی را مفروض می دانست که می توان بیت المقدس را به دو بخش تقسیم کرد و فلسطین می تواند بخش شرقی آن را پایتخت دولت خود قرار دهد.

(برای آگاهی بیشتر از دیدگاه های «پریماکف»، خلاصه ای از مصاحبه هفته گذشته او در مسکو و در ارتباط با ایران را نیز در ادامه می آوریم:

### کنفرانس خبری پریماکف درباره جنگ در لبنان

روزنامه «راسیسکایا گازیه تا» چاپ مسکو، بخش هائی از نظرات مطرح شده یوگنی پریماکوف در یک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو و در ارتباط با حمله اسرائیل به لبنان و فلسطین را منتشر کرد. او در این کنفرانس گفت:

«ویژگی منطقه خاورمیانه به گونه‌ای است که کوچکترین درگیری ممکن است به جنگی بزرگ در منطقه تبدیل شود. آنچه در حال حاضر بین اسرائیل و لبنان جریان دارد، يك جنگ تمام كامل است. اقدامات نظامی اسرائیل كاملاً از چارچوب عملیات ضد تروریستی فراتر رفته است. اسرائیل به خاك کشور مستقل لبنان حمله کرده است، در واقع این زیر ساختارهای لبنان است که در حال تخریب است. عوامل بسیاری برای تشدید نگرانی از ادامه جنگ و ویرانی در لبنان و حتی منطقه وجود دارد. برای مثال تخلیه سفارتخانه های بسیاری از کشورها در بیروت و خروج اتباع کشورهای اروپائی، امریکائی، استرالیائی، کانادائی و... از لبنان یک نمونه است. این نشان میدهد که همه در انتظار جنگ بزرگ در منطقه هستند.»

پریماکف در پاسخ به سئوالی پیرامون احتمال کشیده شدن جنگ به سوریه و ایران گفت:

«من فعلاً نمی توانم بگویم چه چیز در پشت این جنگ پنهان است، اما این خطر وجود دارد که این درگیری ها گسترده تر شده و دامنه آن به کشورهای دیگری نیز سرایت کند.»